

ضرورت حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری با نگاهی به بنیان اخلاقی آن

مرتضی سلیمانی پورلک، دکتر کیومرث کلانتری^{۱*}، رضا نصیری لاریمی^۲
۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ایران
۲. گروه حقوق دانشگاه مازندران، بابلسر ایران
۳. گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، ساری، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۲۶)

چکیده

زمینه: چندین قرن است که بحث درباره ابعاد مالکیت فکری برای حمایت از اندیشمندان جامعه و جلوگیری از استثمار آنها وجود دارد. متأسفانه این دارایی غیرقابل مشاهده و قدرتمند به صورت فزاینده‌ای آسیب‌پذیر می‌باشد. بنابراین وضع مقررات مطلوب، ضمانت اجرای کیفری مناسب و اجرای مؤثر قوانین به منظور محافظت از این حقوق ارزشمند امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. از این روی پژوهش حاضر با هدف بررسی ضرورت حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری با نگاهی به بنیان اخلاقی آن شکل گرفت.

نتیجه گیری: در خصوص جایگاه اخلاق در حقوق مالکیت فکری می‌توان دو سطح را مورد توجه قرار داد: یکی سطح فلسفی که فراتر از قواعد وضعی حقوق است و دیگری درون نظام حقوقی است که به پس از وضع قانون مربوط می‌شود. متأسفانه تدابیر ملی برای حمایت همه-جانبه (اخلاقی و حقوقی) از مالکیت فکری کافی نبوده چرا که دیگر مسئله حمایت در داخل یک کشور خاص مطرح نیست. بلکه تسهیل و افزایش روابط و دادوستد بین ملت‌ها ضرورت حمایت کیفری گسترده‌تر در سطح بین‌المللی را ایجاب می‌نماید. نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران دارای مقرراتی در زمینه حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌باشد اما این مقررات کیفری تنها برخی از شاخه‌های حقوق مالکیت فکری را دربرمی‌گیرد و در بسیاری از موارد نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران با خلاء روبرو است.

کلیدواژگان: حمایت کیفری، ضمانت اجرای کیفری، مالکیت فکری، اخلاق

سرآغاز

اقتصادی و سیاست کشورها تبدیل و معیار سنجش پیشرفت محسوب می‌شوند. نگاه به برخی آمارها نشان می‌دهد که کپی‌رایت و اختراعات در آمریکا پیشرفت ۵/۸ درصدی داشته است، درحالی‌که رشد صنایع در این کشور معادل ۲/۵ درصد بوده است (۲). همچنین مطابق با آمارهای شورای مشاوران اقتصادی ریاست‌جمهور ایالات‌متحده آمریکا، دارایی علمی و اطلاعاتی آمریکا به صورت حقوق مالکیت فکری، در حدود یک‌سوم از ارزش شرکت‌ها و کمپانی‌های آمریکایی که بالغ بر ۵ تریلیون می‌باشد را تشکیل می‌دهد.

بنابراین وضع مقررات مناسب و اجرای مؤثر قوانین به منظور محافظت از این حقوق ارزشمند، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. با توجه به همین احساس نیازها، قانون‌گذاران نسبت به این حقوق بی‌تفاوت نمانده و با وضع قوانین و مقررات شایسته، اقدامات مؤثری در سطح ملی به عمل آورده‌اند (۳ و ۴).

انسان همیشه در تلاش بوده است تا با کنارزدن فکرها و روش‌های کهنه و فرسوده، ایده‌ها و روش‌ها و آثار جدیدی خلق نماید تا بتواند در سرنوشت جامعه خود تأثیرگذار باشد. یکی از مصادیق بارز این تحولات، توسعه و پیشرفت مالکیت فکری^۱ می‌باشد. به طوری که می‌توان گفت امروزه مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کالا را دانش^۲ و اندیشه^۳ و نیز اطلاعات و نوآوری^۴ تشکیل می‌دهد و علاوه بر چیرگی فزاینده فکر و فرهنگ بر کل زندگی انسان‌ها، کالاهای حاوی دارایی‌های فکری نیز رشد حیرت‌انگیز داشته و با توجه به گستره حقوق مالکیت فکری که از حق اختراع و علائم و اسرار تجاری تا حق نسخه‌برداری^۵ و آثار ادبی و هنری را دربرمی‌گیرد؛ درواقع هیچ کالا و خدماتی را نمی‌توان یافت که به نحوی با حقوق مالکیت فکری ارتباط نداشته باشد (۱). لذا با توجه به گسترش فوق‌العاده آن، آفریده‌های فکری، نه تنها به لحاظ اجتماعی و فرهنگی ارزشمند شده‌اند بلکه به یکی از اجزا و اب—زارهای توسعه

دکتر کیومرث کلانتری و همکاران: ضرورت حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری با نگاهی به بنیان اخلاقی آن

از این رو جامعه جهانی نیز اقدام به توسعه مکانیسم‌های حقوقی^۶ کارآمد برای صیانت مشترک از حقوق مربوطه نموده است و نتیجه آن تصویب چندین کنوانسیون و موافقت‌نامه مهم از قبیل کنوانسیون برن، پاریس و موافقتنامه تریپس و...؛ تشکیل سازمان جهانی مالکیت فکری بوده است. نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران دارای مقرراتی در زمینه حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌باشد اما این مقررات کیفری تنها برخی از شاخه‌های حقوق مالکیت فکری را دربرمی‌گیرد و در بسیاری از موارد نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران فاقد ضمانت اجرای کیفری مناسب می‌باشد. بدیهی است که اولین گام در خصوص حمایت از یک حق، شناسایی آن از طریق یکسری سازوکارها، از جمله توجه به بنیان های اخلاقی آن، وارد کردن آن در قلمرو قانونی، ارائه تعریف برای آن، تعیین قلمرو و حدود آن، مطالعات تطبیقی و مدنظر داشتن قوانین و مقررات بین‌المللی و شناسایی حقوق منشعب از حق می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی ضرورت حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری با نگاهی به بنیان اخلاقی آن شکل گرفت.

مفهوم مالکیت فکری

واژگان «مالکیت فکری» واژگانی نسبتاً جدید است. بررسی برخی از محققان نشان‌گر آن است که این اصطلاح برای نخستین بار در سال ۱۹۷۶ در «کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری» به‌عنوان اصطلاح عام برای اشاره به حوزه‌های مالکیت ادبی - هنری و مالکیت صنعتی به‌کاررفته است (۵).

در قوانین ایران واژه «مالکیت فکری» سابقه چندان طولانی ندارد و نخستین کاربرد آن در قوانین به قانون «تجارت الکترونیکی»^۷ بازمی‌گردد که در تاریخ هفدهم دی‌ماه ۱۳۸۲ به تصویب رسیده و در ماده ۶۲ آن از واژه «حقوق مالکیت فکری» استفاده شد. ترجمه‌ی دیگر واژه‌ی Intellectual Property در زبان فارسی، «مالکیت معنوی» است که کاربرد آن در قوانینی همچون قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۶۰ و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قوانین قدمت و گستردگی بیشتری دارد. بسیاری از اسناد حقوقی موجود در مقام تعریف مالکیت فکری به بیان برخی از حقوق موردنظر در مالکیت فکری یا احصای موضوعات موردحمایت بسنده کرده‌اند. مانند تعریف مالکیت فکری در کتاب راهنمای سازمان جهانی مالکیت فکری: «مالکیت فکری در معنای وسیع آن عبارت از حقوق ناشی از فعالیت‌های فکری در حوزه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری» (۶). قوانین مربوط به شاخه‌های گوناگون مالکیت فکری نیز اگر تعریفی ارائه دهند تعریف موضوعات موردحمایت در شاخه‌ی موردنظر مثل اثر ادبی یا اختراع یا طرح صنعتی و مانند آن‌ها است.

بنابراین و با توجه به آنچه در نقد تعریف‌های گوناگون بیان شده و نیز با توجه به این نکته‌ی مهم که تعریف مالکیت فکری باید متضمن دو عنصر اصلی یعنی عنصر حق و عنصر شیء موضوع حق باشد، در تعریف آن می‌توان گفت: «مالکیت فکری عبارت است از حق ناشی از پدید

آوردن یک آفریده‌ی فکری یا یک شیء غیرمادی مستقل دیگر که به‌موجب آن شخصی که خودش یا از طریق به‌کارگیری دیگری موجب خلق آن شده یا شخصی که این حق به او منتقل شده، می‌تواند به‌طور انحصاری از بالاترین حقوق و اختیارات قانونی ممکن نسبت به آن بهره‌مند شوند». این تعریف در عین جامعیت و مانعیت از اشکالاتی که در تعریف‌های دیگر همچون این تعریف «مالکیت فکری (معنوی) حقوقی است که دارای ارزش اقتصادی و دادوستد است ولی موضوع آن شیء معین مادی نیست» (۷) ویژگی‌های تعریف مزبور را می‌توان چنین خلاصه‌شود: در این تعریف با اشاره به حق ناشی از پدید آوردن، درواقع منشأ حق موردتوجه قرار گرفته است.

اشاره به «شیء غیرمادی» در کنار «اثر فکری»، مواردی مانند علائم تجاری را نیز که الزاماً ماحصل کار فکری نیستند و اثر فکری به معنای دقیق کلمه به شمار نمی‌روند داخل در تعریف می‌نماید. وصف «مستقل» برای شیء غیرمادی، مواردی را که خود غیرمادی هستند، اما فاقد استقلال بوده و از حیث وجود و بقاء وابسته به شیء مادی می‌باشند مانند سرقتی و حق کسب و پیشه یا مواردی که از حیث ارزش مالی وابسته به اموال مادی هستند مانند طلب، اسناد تجاری و سهام شرکت‌ها از دایره‌ی مفهوم مالکیت فکری خارج می‌سازد (۸). تعریف یادشده همگی صاحبان اثر فکری اعم از پدیدآورنده‌ی مستقیم اثر، شخصی که از طریق دیگران (به‌وسیله‌ی استخدام یا قرارداد) اثری را پدیدآورده و نیز شخصی که اثر فکری قهراً یا به‌صورت قراردادی به او منتقل شده را در برمی‌گیرد. عبارت «بالاترین حقوق و اختیارات قانونی ممکن» بیان‌گر تمام حقوق و اختیارات قانونی نسبت به اثر فکری با لحاظ قیود و محدودیت‌های قانونی است. اشاره به «انحصاری بودن» حقوق شخص بر اثر نیز بیان‌کننده‌ی خصیصه‌ای مهم در مالکیت فکری است که بدون وجود آن نمی‌توان از مالکیت سخن به میان آورد (۹).

انواع مالکیت فکری

۱. مالکیت ادبی و هنری:

مالکیت ادبی^۸ و هنری یا حق مؤلف در خصوص خلاقیت‌های ادبی و هنری از قبیل تصنیفات، تألیفات، آثار هنری، اشعار، داستان، رمان، موسیقی، آثار سینمایی و سایر آثار ادبی و هنری و علمی است.

در تعریف این نوع مالکیت گفته‌شده: «مالکیت ادبی و هنری، حق پدیدآورنده آثار ادبی، هنری و علمی در نامیده‌شدن اثر بنام او و نیز حق انحصاری وی در تکثیر، تولید، عرضه، اجرا و بهره‌برداری از اثر خود است که حق بهره‌برداری وی قابل نقل و انتقال و معامله است (۱۰). باید یادآور شد که اصطلاح مالکیت ادبی و هنری در قانون ایران بکار نرفته، لیکن در قانون ۱۹۵۷ فرانسه و قوانین بعضی دیگر از کشورها و نیز در پاره‌ای از قراردادهای بین‌المللی استعمال شده و در کتب و نوشته‌های حقوقی رایج و متداول است (۷). در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری و علمی در قوانین ایران، می‌توان به مقررات ذیل اشاره نمود: قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مشتمل بر سی‌وسه

نیز از دیگر حقوق متعلق به صاحب اثر می‌باشد. ترجمه یک اثر منافع مادی برای صاحب اثر به دنبال دارد چراکه اثر ترجمه‌ای خود یک اثر مستقل بوده و تمامی حقوق ناشی از یک اثر به آن تعلق می‌گیرد و خود نویسنده در کسب این منافع سزاوارتر از غیر اوست. ماده یک قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی نیز حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای را با مترجم یا وارث قانونی او مقرر می‌کند. همچنین از آنجاکه عرضه، اجرا و نمایش اثر خود منشأ بهره‌برداری مادی می‌باشد، لذا این حقوق در اختیار پدیدآورنده اثر می‌باشند (۱۳).

در تبصره ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مقرر گردیده: «پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد این قانون، موضوع این ماده تعلق می‌گیرد متعلق به پدیدآورنده خواهد بود.» علاوه بر مصادیق مذکور در ماده ۳، ماده ۵ قانون مذکور نیز اشکال مختلف بهره‌برداری مادی از اثر را بیان نموده است. مطابق این ماده: «پدیدآورنده اثرهای موردحمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد و از جمله موارد زیر به غیر واگذار نماید:

- تهیه فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و مانند آن؛
 - نمایش صحنه‌ای مانند تئاتر و باله و نمایش‌های دیگر؛
 - ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر؛
 - پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر؛
 - ترجمه و نشر و تکثیر اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کتیبه و قالب‌ریزی و مانند آن؛
 - استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی؛
 - به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است.»
- ماده یک قانون حمایت از حقوق پدیدآورنده نرم‌افزارهای رایانه‌ای نیز حقوق اعطایی به صاحبان آثار را بیان و مقرر می‌دارد: «حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به پدیدآورنده است.» مطابق کنوانسیون برن، دارندگان حقوق اعطایی، حق انحصاری بهره‌برداری از آثار خود را خواهند داشت. برابر ماده ۸، پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری موردحمایت این کنوانسیون، در طول دوره‌هایی که این آثار موردحمایت قرار دارند، حق انحصاری ترجمه و اعطای جایزه ترجمه آنها را خواهند داشت. به استناد ماده ۹، پدیدآورنده آثار ادبی و هنری موردحمایت این کنوانسیون، حق انحصاری تجویز تکثیر این آثار را به هر روش و شکل از جمله ضبط صوتی یا تصویری را خواهند داشت.
- قانون ثبت علائم و اختراعات حق استفاده از اختراع، در نتیجه ثبت اختراع^۱ را بیان می‌دارد. مطابق ماده ۲۶ این قانون؛ هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعب مختلفه صنعتی یا فلاحتی به کاشف یا مخترع آن،

ماده و سه تبصره مصوب دی‌ماه ۱۳۴۸، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مشتمل بر دوازده ماده و یک تبصره مصوب دی‌ماه ۱۳۵۲ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب دی‌ماه ۱۳۷۹ مشتمل بر هفده ماده و یک تبصره. هرکدام از این قوانین، تعدادی از آثار ادبی، هنری و علمی را ذکر و موردحمایت قرار می‌دهند.

۲. مالکیت صنعتی

به همراه حق مؤلف و حقوق مرتبط با آن، بیشتر کشورها مقرراتی را در خصوص حمایت از مالکیت‌های صنعتی^۲ وضع کرده‌اند. این نوع مالکیت به‌عنوان بخشی از مالکیت فکری، حق استفاده انحصاری از اختراعات، علائم و اسامی تجاری و طرح‌های صنعتی را موردحمایت قرار می‌دهد و جلوگیری از رقابت مکارانه را نه تنها در پهنه صنعت و بازرگانی به عهده دارد بلکه دامنه حکومت خود را تا مرز صنایع کشاورزی و کلیه محصولات مصنوعی و طبیعی گسترش می‌دهد. مالکیت صنعتی و تجاری شامل حقوق مختلفی است که در نتیجه سعی و ابتکار و کوشش تجار و صاحبان صنایع و مخترعین حاصل می‌شود (۱۱). مالکیت صنعتی مجموعه حقوقی را مشخص می‌کند که هدف از آنها این است که شخص یا گروه، اعم از حقیقی یا حقوقی، بتوانند با اطمینان خاطر از جلوگیری از تعرض دیگران، به امر تجارت یا صنعت اشتغال داشته و از هرگونه تجاوزی از ناحیه اشخاص ثالث مصون و محفوظ باشد و نیز در جهت حمایت از فکر و ابتکار شخص در برابر اشخاص ثالث و دادن انحصار بهره‌برداری از نتیجه فکر و ابتکار به صاحب و مالک آن برای مدت معین مطرح شده است (۱۰).

حقوق ناشی از مالکیت فکری

۱. حقوق مادی ناشی از مالکیت فکری

هرگونه حق انحصاری در بهره‌برداری اقتصادی و به تعبیر قانون ایران بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری تحت عنوان مزبور قرار می‌گیرد. «قانون‌گذار ایران در ماده ۳ از قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ از این حقوق به «حقوق مادی» تعبیر کرده و شاید بهتر بود به جای آن حقوق مالی که رساتر و با اصطلاحی که در زبان فرانسه برای این حقوق به کار می‌رود، نیز منطبق است، استعمال می‌شد.» (۱۲). عمده‌ترین حقوق اقتصادی که از پدیدآورنده یک اثر ادبی و هنری ناشی می‌شود شامل حق نشر، حق ترجمه، حق اقتباس و تلخیص و تبدیل، حق عرضه و اجرای آثار نمایشی و موسیقی و حق استفاده از پاداش و جایزه است. البته حقوق مالی صاحبان آثار فکری منحصر به این موارد نبوده و موارد مذکور تنها مصادیقی از حقوق مالی متعلق به صاحب اثر ادبی و هنری می‌باشد و همان‌گونه که بیان گردید هرگونه بهره‌برداری اقتصادی متعلق به صاحب اثر می‌باشد.

به‌موجب ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان: «حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست.» حق ترجمه اثر

شود (۱۰). از آنجاکه محتوای هر اثری بیانگر شخصیت صاحب اثر می‌باشد، لذا طبیعی است که هرگونه تغییر در محتوای اثر، تنها در اختیار پدیدآورنده باشد. ماده ۱۹ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است.» از دیگر حقوق مرتبط با شخصیت صاحب اثر، حق عدول یا استرداد اثر می‌باشد به موجب این حق، صاحب اثر می‌تواند تحت شرایط خاص، اثر منتشر شده خویش را جمع‌آوری نموده و از توزیع آن جلوگیری کند. در قوانین ما چنین حقی مورد تصریح واقع نشده است. لذا عده‌ای معتقدند اصل لزوم قراردادهای ایجاب می‌نماید که قراردادهای منعقد شده محترم شمرده شوند، اما گروهی دیگر اعتقاد دارند در موردی که صاحب اثر احساس نماید با انتشار اثر اعتبار علمی او مخدوش خواهد شد، حفظ قرارداد منجر به ضرر می‌گردد و در صورت تعارض دو قاعده اوفوا بالعقود و لاضرر، قاعده لاضرر مرجح است (۲).

در حوزه مالکیت صنعتی، با توجه به تجاری‌سازی محصولات صنعتی، عمده‌ترین حق مطروحه، حق مالی می‌باشد و حق معنوی نسبتاً کم‌رنگ می‌باشد؛ به خصوص در علائم تجاری، حق معنوی اصولاً در متون مربوطه مطرح نمی‌گردد (۱۴)؛ اما اگرچه حق اخلاقی در حوزه مالکیت صنعتی کم‌رنگ‌تر است ولی نادیده انگاشته نمی‌شود. در طرح ثبت اختراعات در ماده ۳ بند و، ذکر گردیده که نام مخترع در ورقه اختراع قید می‌شود مگر اینکه مخترع کتباً از اداره مالکیت صنعتی درخواست کند که نام وی ذکر نشود. هرگونه اظهار یا تعهد مخترع مبنی بر اینکه نام شخص دیگری به‌عنوان مخترع قید گردد؛ فاقد اثر قانونی است. در کنوانسیون پاریس نیز تصریح گردیده است که مخترع حق دارد تقاضا نماید نام وی در کنار اختراع ذکر گردد. (۱۶)

ضرورت حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری

۱. ضرورت توسل به ضمانت‌های اجرایی کیفری در حوزه مالکیت

ادبی و هنری

در رابطه با حقوق مالکیت ادبی و هنری باید گفت در گذشته آثار فکری و هنری نشر و گستره محدودی داشتند و چه‌بسا پدیدآورندگان متوقع بهره‌برداری مادی از این آثار نبودند و از این‌رو حمایت کیفری و قانونی از این آثار هم ضروری نمی‌نمود ولی در جهان امروز با گسترش فوق‌العاده مالکیت‌های فکری و ارزشی که آفریده‌های علمی از لحاظ فردی و اجتماعی پیدا کرده‌اند و نقشی که این پدیده‌ها به‌ویژه در توسعه اقتصادی بشری ایفا می‌کنند، قانونگذاران دیگر نمی‌توانند نسبت به آن‌ها بی‌اعتنا باشند (۱۷).

اهمیت حمایت از کپی‌رایت در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی جوامع به حدی است که در مقدمه راهنمای کنوانسیون برن چنین آمده است: «کپی‌رایت، به‌نوبه خود عاملی اساسی در روند توسعه است. تجربه نشان داده که توسعه و غنای میراث فرهنگی ملی با سطح حمایتی که از آثار ادبی و هنری می‌شود، رابطه مستقیم دارد. هر چه سطح حمایت بالاتر باشد مؤلفان بیشتر، برای خلاقیت تشویق می‌شوند، هر چه میزان

حق انحصاری می‌دهد که بر طبق شرایط و در مدت مقرر در این قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده نماید. مستنداً به قسمت اخیر ماده ۳۳ قانون فوق، مخترع یا قائم‌مقام قانونی او حق انحصاری ساخت یا فروش یا اعمال و استفاده از اختراع خود را خواهد داشت. همچنین مطابق ماده ۳۹، دارنده ورقه اختراع می‌تواند مالکیت یا حق استفاده از موضوع اختراع خود را کلاً یا جزئاً به هر طریقی که بخواهد به دیگری منتقل نماید. ماده ۲۸ موافقتنامه تریپس نیز اشاره به حقوقی دارد که به دارنده حق اختراع تعلق می‌گیرد. به موجب این ماده: «الف - در مواردی که موضوع ثبت یک محصول است، چنانچه اشخاص ثالث بدون موافقت مالک اقدام به ساخت، استفاده، عرضه برای فروش، فروش یا وارد کردن این محصول برای مقاصد یادشده کرده باشند، از اقدامات آنها جلوگیری به عمل آورد. ب- در مواردی که موضوع ثبت یک فرایند است، چنانچه اشخاص ثالث بدون موافقت مالک اقدام به استفاده از فرایند کرده باشند از این اقدام و همین‌طور از استفاده، عرضه برای فروش، فروش یا وارد کردن محصولی که مستقیماً از این فرایند برای مقاصد یادشده به‌دست می‌آید، جلوگیری به عمل آورد.»

در خصوص علائم تجاری نیز، صاحب آن، حق استفاده از علامت بر روی کالاها و خدمات خویش و همچنین حق منع دیگران از استعمال علامت را دارا می‌شود.

۲. حقوق معنوی ناشی از مالکیت فکری

عمده‌ترین مصادیق حقوق معنوی^{۱۱} که از خلق یک اثر ادبی هنری ناشی می‌گردد شامل حق انتساب، حق حرمت اثر و حق عدول یا استرداد می‌باشد (۱۴). مقصود از حق انتشار یا به عبارتی «حق تصمیم‌گیری در مورد انتشار اثر» این است که پدیدآورنده اثر تنها فردی است که می‌تواند در خصوص انتشار یا عدم انتشار اثر خویش تصمیم‌گیری نماید. انتشار اثر بدون رضایت مؤلف آن، تجاوز به شخصیت و آزادی او تلقی می‌گردد و نمی‌توان مؤلف را مجبور به انتشار اثرش نمود (۱۵). بنابر تبصره ذیل ماده ۶۵ قانون اجرای احکام در امور مدنی، طلبکاران نمی‌توانند اثری را که هنوز مؤلف تصمیم به انتشار آن نگرفته در قبال طلبشان توقیف نمایند. از دیگر مصادیق حقوق معنوی مؤلف، حق انتساب اثر می‌باشد. به این معنا که اثر تالیفی از آنجاکه آفریده ذهن مؤلف می‌باشد باید با نام مؤلف به دیگران شناسانده شود، به عبارت دیگر نمی‌توان نام شخص دیگری غیر از مؤلف را بر روی اثر وی درج نمود.

ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در این خصوص مقرر می‌دارد: «انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا اقتباس از اثری را به‌منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر، همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه‌های چاپی یا تکثیر شده، به روش معمول و متداول درج نمایند مگر اینکه پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت نموده باشد.» حق حرمت اثر از حقوقی است که با حق انتشار مرتبط می‌باشد زیرا فرض بر این است که مؤلفی که تصمیم به انتشار اثرش می‌گیرد، خواهان آن است که اثرش بدون هیچ‌گونه تغییر، به اطلاع عموم رسانده

- جلوگیری از رشد و توسعه واحدهای تجاری و اقتصادی کوچک و متوسط و بزرگ؛

- عدم اشتیاق و رغبت کشورها به سرمایه‌گذاری و جلوگیری از انتقال تکنولوژی برتر؛

۳. ضرورت توسل به ضمانت اجرای کیفری از مصادیق جدید حقوق مالکیت فکری

پیشرفت پرشتاب و سریع تکنولوژی نوین اطلاعات و ارتباطات که به دگرگونی‌های فنی جدید الکترونیک و دیجیتالی - همگرایی انواع سه - گانه ارتباطات سمعی و بصری، ارتباطات رایانه‌ای و ایجاد شبکه جهانی اینترنت به‌عنوان نمونه‌ای از بزرگراه‌های اطلاعاتی آینده برای ورود به جامعه اطلاعاتی منتهی شده‌است، در جهان امروز خصوصاً در کشورهای درحال توسعه تأثیرات بسیار مهمی به‌جا گذاشته است. این اثرگذاری‌ها درعین حال هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی دارند و در حوزه حقوق مالکیت فکری نیز با توجه به پیدایش موضوعات جدید علیرغم دارا بودن مزایا و محاسن زیاد، احتمال بهره‌برداری نامناسب از مقوله‌های حقوق مالکیت فکری را به‌وجود آورده است. به‌عبارت‌دیگر، مؤلفه‌های فوق روند رو به رشد حقوق مالکیت فکری را با فرصت و چالش‌هایی مواجه ساخته است: واقف شدن به اهمیت دانش سنتی و فولکلور، نقش بزرگ و مهم اینترنت و فرصت‌هایی که استفاده از اینترنت می‌تواند در جهت افزایش آگاهی عمومی ایجاد کند و بالاخره اقتصاد دیجیتالی و نقش مهمی که این امر می‌تواند بر امور مربوط به حقوق مالکیت فکری داشته باشد از جمله موقعیت‌ها و فرصت‌های مهم است که باید همه کشورها خصوصاً کشورهای درحال توسعه برای آن‌ها اهمیت جدی قائل شوند (۲۳).

فقدان مکانیزم عملی و قابل قبول برای حمایت جدی و مؤثر از همه جنبه‌های مربوط به دانش سنتی، فولکلور و منابع ژنتیک، عدم پیش‌بینی یک سیستم کامل و اجرائی برای بیوتکنولوژی و موضوعات مربوط به آن عدم تلاش جدی از سوی کشورها برای اجرا و عملی کردن حقوق مالکیت فکری، عدم اتخاذ تدابیر مهم و اساسی برای رفع چالش‌هایی که رشد سریع ارتباطات از جمله اینترنت برای صاحبان حقوق مالکیت فکری ایجاد کرده است و از همه مهم‌تر عدم توجه اساسی کشورها درحال توسعه به اقتصاد دیجیتالی و تأثیری که این امر می‌تواند بر حقوق مالکیت فکری داشته باشد از جمله چالش‌های مهم است که در موقعیت فعلی جهان صاحبان حقوق مالکیت فکری و متولیان جهانی حمایت از این حقوق با آن‌ها مواجه‌اند.

مبانی اخلاقی حقوق مالکیت فکری

اخلاق^{۱۳} در لغت جمع واژه خلق و به معنای خوی هاست (۲۴). اخلاق محدود به یک رشته یا حیطه علمی خاص نیست بلکه در تمامی شاخه های علمی و انسانی قابل پیگیری است. در حوزه مالکیت فکری نیز جایگاه اخلاق بسیار حائز اهمیت است. از آنجا که مالکیت فکری با سایر مالکیت‌ها متفاوت است. دفاعیات اخلاقی^{۱۴} آن نیز متفاوت است (۲۵). جایگاه اخلاق در نظام مالکیت فکری در دو سطح قابل بررسی است:

آفرینش‌های فکری یک کشور بیشتر شود، کثرت و موفقیت آن بیشتر خواهد شد، از سوی دیگر هر چه میزان تولیدات در ادبیات و هنر بیشتر شود میزان وسایل مرتبط با آن مثل کتاب، نوار و صنایع نمایشی نیز افزایش می‌یابد و در تحلیل نهایی، تشویق آفرینش‌های فکری یکی از لوازم اساسی جهت توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد (۱۸). امروزه آثار ادبی و هنری که در یک کشور پدید می‌آیند با طرق ارتباطی و رسانه‌های همگانی نوین در مدت کوتاهی به کشورهای دیگر راه می‌یابند و گاهی جنبه جهانی پیدا می‌کنند. به همین دلیل تجاوز به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان این آثار فزونی گرفته و حقوق مالکیت فکری در این حوزه نیز حساسیت بیشتری پیدا کرده و در نتیجه توجه قانونگذاران را بیش‌ازپیش به خود جلب کرده است. قوانین جدیدی در کشورهای مختلف به تصویب رسیده و حتی تعدادی موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در این زمینه منعقد شده است (۱۹).

بنابراین حمایت کیفری از حقوق مالکیت ادبی و هنری جریانی متقابل میان کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته است. وجود نظام مالکیت فکری جز این‌که تولیدات فکری خارجیان را در داخل مورد حمایت قرار دهد، متقابلاً این وضعیت را به‌وجود می‌آورد که ما نیز بتوانیم این تولیدات را در کشورهای خارجی عرضه کنیم (۲۰).

با توجه به مراتب فوق روشن است که حمایت کیفری مؤثر از حقوق مالکیت فکری در حوزه حق مؤلف و حقوق جانبی، انگیزه لازم را در جهت خلاقیت‌های علمی، هنری و ادبی فراهم می‌کند؛ توزیع و استفاده از آثار جدید را تسهیل می‌نماید و محیط مناسبی را برای مبادله منظم تولیدات فکری در بازار به‌وجود می‌آورد.

۲. ضرورت توسل به ضمانت اجراهای کیفری در حوزه مالکیت صنعتی

حمایت کیفری^{۱۵} کافی از مخترعین و نوآوران و تسهیل ثبت ملی و بین‌المللی حقوق آن‌ها می‌تواند ضمن حفاظت از سرمایه‌گذاری تحقیقات انجام‌شده، انگیزه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی را برای تحقیقات و نوآوری افزایش دهد که جلوگیری از اختفاء تکنولوژی و نوآوری‌ها، انتشار دقیق و صحیح تکنولوژی و تشویق و ترغیب به امر سرمایه‌گذاری را می‌توان از اثرات و نتایج مهم حمایت کیفری از آن برشمرد (۲۱). برعکس عدم حمایت کیفری کافی از اختراع و نوآوری در حوزه‌های مختلف و نبودن بستر و امنیت حقوقی لازم برای تضمین حقوق مخترعین و نوآوران و همچنین فقدان مکانیزم کارآمد مؤثر برای تحصیل ورقه اختراع و نوآوری در سطح ملی و بین‌المللی موجب می‌شود که بسیاری از اختراعات و نوآوری‌ها کتمان و در اختیار جوامع گذاشته نشود که درازمدت این امر می‌تواند دارای پیامدهای منفی زیاد از جمله موارد زیر باشد (۲۲):

- محروم شدن جامعه و افراد آن از نتیجه ابتکار و نوآوری؛
- از بین رفتن روحیه جسارت در ابتکار و نوآوری در نخبگان جامعه؛
- ایجاد مانع در پایه‌ریزی یک صنعت پیشرفته و استوار بر پایه‌های قوی؛
- تنزل سطح کیفیت زندگی افراد جامعه؛

نتیجه گیری

آنچه در نگاه اول با توجه به مطالب ارائه شده در این مقاله لازم به ذکر است تنوع موضوعات، اهمیت روزافزون و سلطه حقوق مالکیت فکری بر جنبه‌های مختلف زندگی بشری است؛ به گونه‌ای که تا پیش از شروع به این تحقیق هرگز حقوق مالکیت فکری تا این درجه حائز اهمیت و شایسته حمایت به نظر نمی‌رسید.

روشن است که اولین گام در خصوص حمایت از یک حق، شناسایی آن از طریق یک سری سازوکارها، از جمله وارد کردن آن حق در قلمرو قانونی، ارائه تعریف برای آن، تعیین قلمرو و حدود آن و شناسایی حقوق مختلف منشعب از حق می‌باشد. از این‌رو قانونگذاران ایران بایستی همگام با تحولات جدید به وضع قانون پرداخته و خلاءهای موجود را برطرف نمایند.

این امر مستلزم شناخت جنبه‌های مختلف مالکیت فکری، مطالعات تطبیقی و مدنظر داشتن قوانین و مقررات بین‌المللی است. از این‌رو پیشنهاد می‌گردد، کمیسیون تخصصی از افراد آشنا به مسایل علمی و تجاری و دارای تخصص کافی در زمینه مالکیت فکری در مجلس تشکیل شود تا با بهره‌مندی از تخصص افراد خبره، قوانین جامع‌ومانعی به تصویب رسد. زیرا تنها پس از آنکه قوانینی در چارچوب قانونی و توأم با حمایت‌های حقوقی و کیفری که با نیازهای جامعه، صنعت و تجارت هماهنگی لازم را داشته، به تصویب برسد؛ می‌توان امیدوار بود که در مرحله اجرا، آثار مناسبی را از خود بر جای خواهد گذاشت. همچنین بی شک مبانی اخلاقی حقوق مالکیت فکری باید مورد توجه قرار گیرد چرا که اخلاق توجیهی فراقانونی و فرازمانی برای مالکیت فکری مهیا می‌کند و جایگاه اخلاق در نظام مالکیت فکری در دو سطح فلسفی و نظری و در درون نظام حقوقی باید مورد توجه قرار گیرد تا توجیهات فراحقوقی مالکیت فکری و تاثیر هنجارهای اخلاقی مورد پذیرش در فرهنگ جامعه خاص در محدود سازی مصادیق قابل حمایت در قوانین مشخص شود.

ملاحظه های اخلاقی

موضوعات اخلاقی همچون؛ سرقت ادبی، رضایت آگاهانه؛ انتشار چندگانه و ... در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

واژه نامه

| | |
|--------------------------|-------------------|
| 1. Intellectual property | مالکیت فکری |
| 2. Knowledge | دانش |
| 3. Thought | اندیشه |
| 4. Innovation | نوآوری |
| 5. Copyright | حق نسخه برداری |
| 6. Legal mechanisms | مکانیسم های حقوقی |
| 7. E-commerce | تجارت الکترونیکی |
| 8. Literary property | مالکیت ادبی |
| 9. Industrial property | مالکیت صنعتی |

یکی در سطح فلسفی و نظری که فراتر از قواعد وضعی حقوق بوده و دیگری در درون نظام حقوقی است که به پس از وضع قانون مربوط می‌شود. سطح اول مربوط به توجیهات فراحقوقی مالکیت فکری است و سطح دوم به تاثیر هنجارهای اخلاقی مورد پذیرش در فرهنگ جامعه خاص در محدود سازی مصادیق قابل حمایت در قوانین مربوط می‌شود. (۲۶)

چنانچه مبنای اعتبار مالکیت فکری را مورد کنکاش قرار دهیم باید اذعان داشت که حقوق بر آفرینش های فکری دارای اعتباری فراقانونی است که محدوده آن توسط اخلاق کاربردی یعنی به کارگیری نظرات اخلاقی عام در مورد مسائل اخلاقی با هدف حل و فصل آن مسائل، مشخص می‌شود. همچنین استدلال های اخلاقی این امکان را فراهم می‌سازند که بتوان دربار ماهیت مالکیت فکری و تحولات آن و در نتیجه مشروعیت نظام مالکیت فکری اظهار نظر کرد که این امر راه را برای ورود فلسفه اخلاق به این حیطه باز می‌کند (۲۷).

چنانچه از رویکردی اخلاقی^{۱۵} به مفهوم مالکیت فکری بنگریم با سه دیدگاه اصلی مواجه می‌شویم:

الف) دیدگاه کار که منسوب به جان لاک است. این نظریه بیان می‌کند که خاستگاه مشروعیت مالکیت نتیجه کار در مشترکاتی است که خداوند به انسان داده است. ادیان الهی از جمله مسیحیت و اسلام مبنای اصلی مالکیت را کار و تلاش می‌دانند و لاک نیز به پیروی از مسیحیت و با استفاده از آموزه های آن نظریه کار را مطرح و پررنگ نمود. بعدها این نظریه علاوه بر تعریف مالکیت در رابطه با کار فیزیکی به مالکیت فکری نیز تسری داده شد (۲۸).

ب) دیدگاه منفعت که منسوب به بنتهام و استوارت میل است. اینان با نگاهی فرد گرایانه انسان را طالب کسب لذت و دفع درد دانسته‌اند. اصلت منفعت به عنوان یک نظریه پس از شکل گیری نظام مالکیت فکری مطرح شده است و بر اساس آن، وضع، تبیین و تفسیر قواعد و قوانین بر اساس منفعت صورت می‌گیرد در نتیجه قواعد حقوقی سر از نسبیت درمی‌آورند. عامل مهم در شناخت اصالت منفعت در حوزه مالکیت فکری، شناخت مطلوبیت است یعنی هدفی که قواعد حقوقی مالکیت فکری درصدد تامین آن هستند. بر اساس این دیدگاه، مالکیت فکری به جهت برآورده سازی چندین هدف مشروعیت دارد: منفعت، سرمایه، رفاه و نظم (۲۹)

ج) نظریه شخصیت که از دیدگاه های هگل و کانت مایه می‌گیرد و با بسط و گسترش شخصیت و برقراری ارتباط میان مفهوم آزادی و آثار فکری مالکیت فکری را به اثبات برساند (۳۰).

در کل می‌توان گفت مطالعات اخلاقی در حیطه مالکیت فکری به آن توجیهی فراقانونی داده است. البته استناد به همین مطالعات اخلاقی منجر به پدید آیی برخی محدودیت ها در حقوق پدید آورنده در علم حقوق شده است که منشا آنها را می‌توان در قالب محدودیت های ذاتی ناشی از تقلید ذاتی مالکیت فکری و حقوق پدید آورنده و غیر ذاتی که مربوط به مرحله اجراست و محدودیت حقوق پدیدآورنده ممکن است به دلیل تراحم با برخی گزاره های اخلاقی باشد، مورد بررسی قرار داد.

15. Ayati H. (1996). Intellectual creation rights. 1st ed. Tehran: Hoghoughdan Publication.
16. Paris Convention (1883). Paris convention for the protection of industrial property. Available at: <https://patentoffice.ir/edu>. Accessed: 2 May 2020.
17. Alasti E. (2007). Criminal law of literary and artistic property in Iran. 2nd ed. Tehran: Myzan Publication.
18. Amouzegar MS. (2004). Legal effects of Iran's membership in the World Trade Organization on copyright. [Ph.D. thesis]. Tehran: Tehran University.
19. Straus J. (2015). Intellectual property rights: ethical aspects. 2nd ed. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences. Pp. 262-265.
20. Mirhosseini SH. (2006). Introduction to intellectual property rights. 2nd ed. Tehran: Myzan Publication.
21. Real Estate Registration Organization of Iran (1995). National seminar on the role of industrial property in the economic development of the country. Tehran. Iran.
22. WIPO. (2004). Intellectual property hand book. 2nd ed. Geneva: WIPO Publication.
23. Nowrowzi A. (2002). Intellectual property rights. 1st ed. Tehran: Chapar Publication.
24. Farhud DD. (2011). Training of ethics. Ethics in Science and Technology; 6(3): 1-5. (In Persian).
25. Saniee M. (2007). Intellectual property rights and access to biotechnology results in developing countries. Ethics in Science and Technology; 2(1,2): 25-31. (In Persian).
26. Hekmatnia M, Moala M. (2015). The place of ethical studies in the system of intellectual property. Islamic Law; 12(45): 3-37. (In Persian).
27. Voss T, Paranjpe AS, Cook TG, Garrison NDW. (2017). A short introduction to intellectual property rights. Techniques in Vascular and Interventional Radiology; 20(2): 116-120.
28. Pilvar R. (2011). Theory of labor as the basis of property in Islamic law and John Locke's philosophy. Studies of Islamic jurisprudence and law; 3(5): 63-85. (In Persian).
29. Kianpour S, Azimi S, Tavalae R. (2018). The relationship of property rights to moral hazards. Ethics in Science and Technology; 13(4). (In Persian).
30. Hekmatnia M, Movahedi-Savouji M. (2006). The place of theoretical foundations in understanding and interpreting the intellectual property system. Law and Jurisprudence; 2: 89-105. (In Persian).
31. Vahid-Ferdowsi AH, Khedmatgozar M. (2011). Pros and cons of intellectual property. Legal Research; 14(107). (In Persian).

| | |
|----------------------------------|----------------|
| 10. Patent | ثبت اختراع |
| 11. Intellectual property rights | حقوق معنوی |
| 12. Criminal protection | حمایت کیفی |
| 13. Ethics | اخلاق |
| 14. Ethical defenses | دفاعیات اخلاقی |
| 15. Ethical perspective | رویکرد اخلاقی |

References

1. Liu Y, Liang CC, Philips F. (2020). Precursors of intellectual property rights enforcement in East and Southeast Asia. Industrial Marketing Management; 90: 133-142.
2. Jafarzadeh MG. (2004). Lectures on industrial property law. [MA thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University.
3. Alimov A. (2019). Intellectual property rights reform and the cost of corporate debt. Journal of International Money and Finance; 91: 195-211.
4. Auriol E, Biancini S, Paillacar R. (2019). Universal intellectual property rights: Too much of a good thing? International Journal of Industrial Organization; 65: 51-81.
5. Mandelman FS, Waddle A. (2020). Intellectual property, tariffs, and international trade dynamics. Journal of Monetary Economics; 109: 86-103.
6. Saberi-Ansari B. (2002). World intellectual property organization. 1st Ed. Tehran: Foreign ministry.
7. Safaee SH. (1996). Civil law and comparative law. 1st Ed. Tehran: Myzan Publication.
8. Ravindra Bhat S. (2018). Innovation and intellectual property rights law-an overview of the Indian law. IIMB Management Review; 30(1): 51-61.
9. Drahos P, Maher I. (2004). Innovation, competition, standards and intellectual property: policy perspectives from economics and law. Information Economics and Policy; 16(1): 1-11.
10. Nowrowzi A. (2002). Intellectual property rights copyright and industrial property. 1st ed. Tehran: Chapar Publication.
11. Sotoudeh-Azar H. (1996). Commerce law. 2nd ed. Tehran: Dadgostar publication.
12. Alimov A. (2019). Intellectual property rights reform and the cost of corporate debt. Journal of International Money and Finance; 91:195-211.
13. Cook TR, Liu AH. (2016). Using linguistic networks to explain strength of intellectual property rights. World Development; 87: 128-138.
14. Sadeghi T. (2006). An introduction to intellectual property rights. Journal of the Khorasan Bar Association; 2(2). (In Persian).